ناقص الاول

نام کتاب: شرح و ترجمه نهج البلاغه

مؤلف متن: نور محمد بن قاضی عبدالعزیز محشی الحلی که در سال ۱۰۲۸ تالیف نموده

شارح .... مترجم: عبدالقادر بن نفیر

تاریخ تحریر: ۱۰۷۹ نوع خط: نستعلیق تعداد سطر: ۱۵ سطر

جزء کتب: اخبار زبان: فارسی عدد اوراق: ۳۹۷

طول: ۲۰ عرض: ۱۵ شماره عمومی: ۱۹۰۰۱

وقفی / خریداری: ... تاریخ خریداری: ۷۲/۴/۳۰

ملاحظات: ....

۷۲/۵/۶

صائب

صائب شب سودا که روز ترا آینه روشن = از هستی بی حاصل خود گرد برآری

گر بگذری ز هستی آرام جان بیابی = گر خط کشی بعالم خط امان بیابی

چون بوی صبحگاهی مشکین زبان صائب = شاید که برگ سبزی زین بوستان بیابی

درین حدیقه پرمیوه تا جگر نخوری = ز نخل زندگی خویشتن ثمر نخوری

جهان سفله چه دارد که زو طمع داری = بغیر [illegible] دراز چو بید بر نخوری

مولوی

لیک هر چه فوت شد غمگین مشو = زانکه گر کهنه شد آید باز نو

گر بلا آید ترا اندوه مبر = ور زیان بینی غم آن را مخور

کان بلا دفع بلاهای بزرگ = وان زیان منع زیانهای سترگ

راحت جان آمدی جان فوت مال = مال چون جمع آمدی جان شد وبال

حکیم سنائی

بمیر ای دوست پیش از مرگ اگر خود زندگی خواهی = که ادریس از چنین مردن بهشتی گشت پیش از ما

شیخ بهائی

تا نیست نگردی ره هستت ندهند = وین مرتبه با همت پستت ندهند

چون شمع قرار سوختن گر ندهی = سر رشته روشنی بدستت ندهند

شیخ عطار

یک عاشق زار و یک دل بیدار کجاست = یک سوخته فکر پراکنده کجاست

چون بنده اندیشه خویشند همه = پس روی زمین خدای را بنده کجاست

صائب

از سیم و زر مگو که سزاوار خنده است = زندانئی که فخر به بند گران کند

ازانکه بیرون رود از دنیا تنهای شما پس بدرستی که حکمت در فرستادن شما
بدنیا آزمایش شما است و آفریدن شما نه از برای تمتع و التذاذ دنیاست
بدرستی که چون آدمی از دنیا برود مردم گویند که از مال دنیا چه گذاشت و
ملایکه گویند که از برای حق سبحانه از اعمال صالحه چه چیز پیش فرستاد پس
پاره از اموال خود صدقه کنید و برای زاد آخرت پیش فرستید و جمیع
مملوکات خود را بمیراث وا ماندها مگذارید که از عهده حساب آن برنیاید
و بوبال آن در کرو مانید فصل ومن کلامٍ له علیه السّلم کثیرا
ما ینادی به اصحابه تجهّزوا رحمکم الله فقد نودی
فیکم بالرّحیل واقلّوا العرجة علی الدّنیا وانقلبوا
بصالح ما بحضرتکم من الزاد فانّ امامکم عقبةً کؤدا
ومنازل مخوفةً مجهولةً لابدّ من الورود علیها والوقوف
عندها واعلموا انّ ملاحظ المنیّة نحوکم دانیة وکانّکم
بمخالبها وقد نشبت فیکم وقد دهمتکم منها مفظعات
الامور ومضلعات المحذور فقطّعوا علایق الدّنیا و
واستظهروا بزاد التقوی ترجمه خطاب باصحاب خود کرده میفرماید



صائب

صائب شود اگر روز ترا آینه روشن = از هستی بی‌معنی خود گرد برآری
گر بگذری ز هستی آرام جان بیابی = گر خط کشی بعالم خط امان بیابی
چون باد صبحگاهی مشکین زبان صائب = شاید که برگ سبزی زین بوستان بیابی
درین حدیقه پرمیوه تا جگر نخوری = ز نخل زندگی خویشتن ثمر نخوری
جهان سفله چه دارد که زو طمع داری = … چوب بید بر نخوری

مولوی

لیک هر چه فوت …
گر بلا آید ترا از ده …
کان بلا دفع بلا …
راحت جان …

حکیم سنائی

بمیر ای دوست پ…

شیخ بهائی

تا نیست نگردی …
چون شمع …

شیخ عطار

لیک عاشق زار …
چون بنده ازاد …

صائب

از نسیم … = زندگی …

ما اخذ الله علی اهل الجهل ان یتعلموا حتی اخذ علی اهل
العلم ان یعلموا ترجمه حق سبحانه نبس از آنکه از اهل جهل پیمان بستد
که در آموختن علم تها ون جایز ندارند از اهل علم پیمان گرفت که در تعلیم علم
امساک روا ندارند اصل شر الاخوان من تکلف له ترجمه
بدترین یاران کسی است که از برای او محتاج بتکلف شوی یعنی یار صادق
آنست که با او بی تکلف توان زیست اصل اذا احتشم المؤمن
من اخاه فقد فارقه ترجمه وقتی که احتشام کند مومن برادر خود
گوییی که مفارقت میکند با او یعنی تا وقتی که دوستی و یاری میان دو کس ثابت باشد
با هم گستاخانه معاشرت کنند و ترک ادب را ادب دانند پس چون یکی از دو یار
که مدتی با یکدیگر گستاخ زیسته باشند احتشام آن دیگر کند و زانوی
ادب پیش نشیند یعنی علامت آن باشد که ترک محبت کرده است و مفارقت
او را میخواهد تمام شد ترجمه کتاب نهج البلاغه علی حسب الوسع والطاقه
در تاریخ یوم الجمعه بیست و هفتم شهر شعبان المعظم سنه هزار و بیست و هشت هجری
علی ید ضعیف عباد الله القوی الصمد الغنی نور محمد بن قاضی عبد العزیز بن
قاضی طاهر محمد المحلی امید میدارد که حق سبحانه این ترجمه را که شمه از معانی

۳۴۹

کلمات بلاغت آیات آن سرور دین و امام راه یقین و ولایت و کرامت مآب
شافع یوم الحساب را بگوش طالبان میرساند و متعطشان زلال تحقیق را از آن بحر ذخار
بجرعه محفوظ و سیراب میگرداند بر صاحب دولتی که از کمال مودت و خلوص
عقیدت باعث بنای این تالیف گشته مبارک و میمون گرداناد و جمیع مطالب
دین و دنیای آن کریم النسب والحسب را ساخته و پرداخته دارد و مترجم را بعد از
عفو از آنچه دانسته در بیان سهوی و خطائی کرده شد از شفاعت آنحضرت
نصیبی کرامت فرماید و از دست آن ساقی کوثر شربتی چشاند بحق الائمه الاخیار
وساده الابرار اللهم ارحمنا وارحم جمیع
المسلمین وصل علی محمد خاتم انبیائک
مبلغ انبائک وعلی مصابیح
اسرته ومفاتیح نصرته
وعلی المسلمین اجمعین

قد فرغت من تنمیقه فی تاریخ یوم الخمیس احدی عشر شهر جمیدالاولی سنه تاسع وسبعین بعد الالف
من الهجره النبویه علیه وآله التحیه وانا العبد الحقیر عبد القادر ولد حاجی شیخ نصیر عفی عنهما
فی بندر المبارک السورت حفظها الله تعالی عن الکدورت

تولد فاطمه ... ۱۳۰۶ ...
تولد فاطمه ...
۱۳۱۰

۸

[illegible]

... امام ... علیه السلام ... [illegible]

... معصومین علیهم السلام ... [illegible]

[illegible]